

تصاویر، کلیدها و نمونه‌ها

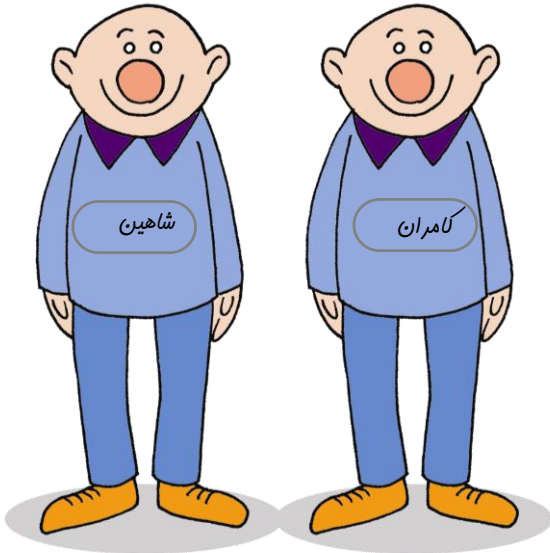
فصل اول

* توجه *

بعد از مطالعه‌ی هر آرایه به صفحه ۸۶ (بخش "بیا توو کلاس") مراجعه و گفتنی‌های مربوط به اون آرایه رُ مطالعه کن.

جناس تام

«تفاوت توی معنی ولی ظاهر یکسان / اسمش جناس تام توی تموم ایران»



؟ کلید ظاهر واژگان یکسان و معانی آن‌ها متفاوت

نکته ۱ مطمئن شوید معانی متفاوت را یافته‌اید، صرفاً به ظاهر یکسان اکتفا نکنید.

«وفا را زاد مادر چون مرا زاد / جفا را زاد مادر چون تو را زاد» «جناس تام ندارد.»

۲ «جناس تام» اگر در آخر دو مصراع به کار رود قافیه‌ی آن شعر است نه ردیف. (زیرا ردیف هم ظاهر یکسان دارد و هم معنی یکسان درحالی‌که در جناس تام تنها ظاهر واژگان یکی است.)

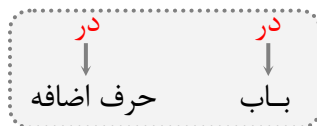
«هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو (کوچه) ذکرش همه این است که گم گشته دلم کو (کجاست)؟
 ردیف قافیه ✓

نمونه‌ها

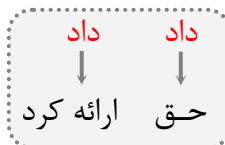
- | | |
|--------------------------------------|---|
| این در، در انتظار تو، تا صبح باز بود | ۱ امشب نیامدی و ز چشمم رمید خواب |
| باید چو ابر از همه اعضا گریستن | ۲ تنها به دیده‌ای، نتوان داد گریه داد |
| چنان دوید که گلگونه اشک بر مژگان | ۳ به تار مو اگرش ره فتاد به شب تار |
| بگذار تا بینم آن چشم نازنین را | ۴ زان ابروان زیبا، برچین به ناز، چین را |
| تا نگویی که اسیران کمند تو، کمند | ۵ هر خم از جعد پریشان تو، زندان دلی است |

حل نمونه‌ها

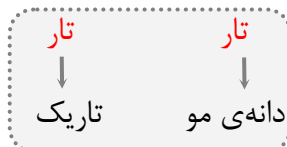
۱) امشب نیامدی و ز چشمم رمید خواب این **در**، **در** انتظار تو، تا صبح باز بود



۲) تنها به دیده‌ای، نتوان **داد** گریه **داد** باید چو ابر از همه اعضا گریستن



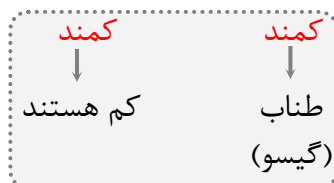
۳) به **تار** مو اگرش ره فتاد به شب **تار** چنان دوید که گلگونه اشک بر مژگان



۴) زان ابروان زیبا، بر **چین** به ناز، **چین** را بگذار تا بینم آن چشم نازنین را



۵) هر خم از جعد پریشان تو، زندان دلی است تا نگویی که اسیران **کمند** تو، **کمند**

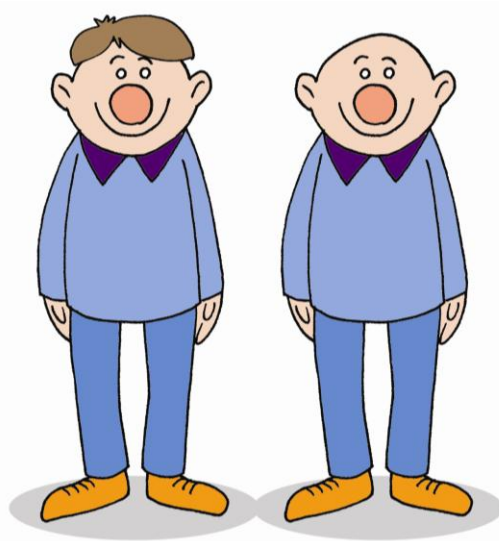


جناس ناقص

«تفاوت تو حرکت و پایه حرف محالص / می‌سازه توی شعرا واست جناس ناقص»

؟ کلید خودکار عمودی (هر وقت دو تا لغتو زیر هم نوشتی، بعدش خودکارتو عمودی روی یکی از حروف گذاشتی و بقیه‌ی حروفش ۱۰۰٪ یکی بودن، جناس ناقص پیداش کردی)

بود	بود	بود	بود	بود	بود
سونا	بود	بوی	بود	باد	بود
x	✓	✓	✓	✓	✓



نکته تکواژهای وابسته‌ای که همراه واژگان شده‌اند تأثیری در جناس ناقص بودن آن‌ها ندارند.

«دیدی آن ترک ختا غارت دین بود مرا گرچه عمری به خطا دوست خطابیش کردم
جناس ناقص بی تأثیر

نمونه‌ها

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) نوبهار است بر آن کوش که خوشدل باشی | که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی |
| ۲) اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من | سر من و قدم سرو ناز پرور من |
| ۳) از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه | می رود صیاد از پی، صید پیکان خورده را |
| ۴) قامتی دیدم که می‌گوید گه برخاستن | کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟ |
| ۵) دنیا عسل است و هر که او بیش خورد | خون افزایشد، تب آورد، نیش خورد |

۱) نوبهار است بر آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدهد باز و تو در گل باشی

گل
گل

۲) اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من سر من و قدم سرو ناز پرور من

سرو
سرو

۳) از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه می رود صیاد از پی، صید پیکان خورده را

نگاه
گاه

۴) قامتی دیدم که می گوید گه برخاستن کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟

قیام
قیامت

قامت
قیامت

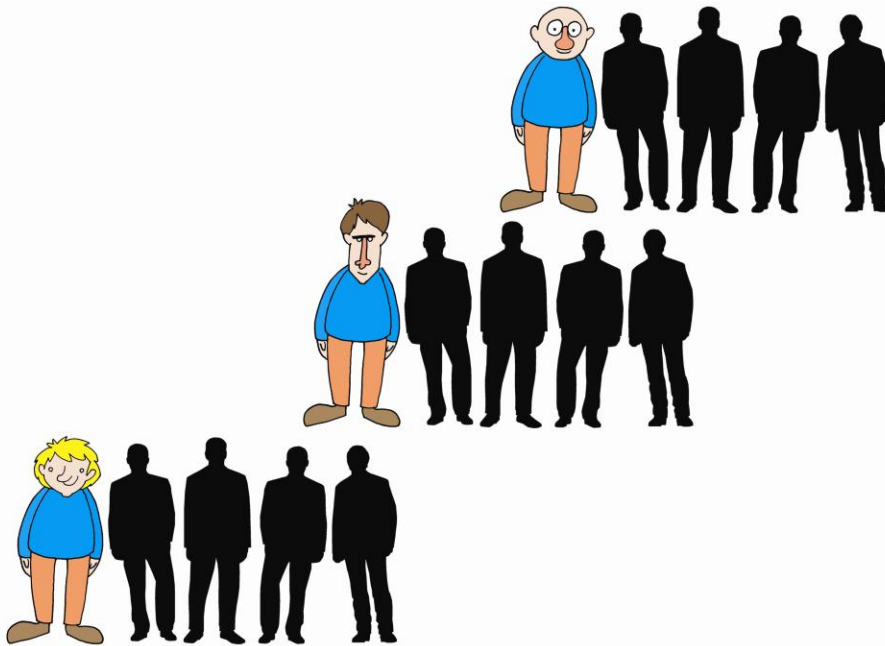
۵) دنیا عسل است و هر که او بیش خورد خون افزایش، تب آورد، نیش خورد

بیش
نیش

سجع

«دو واژه‌ی ته جمله که شکلش هماهنگه / اسمش **سجع** توی نثر، پپین چقدر قشنگه»

؟ کلید کلمات هم‌قافیه، در آخر جملات نثر (سجع در نثر همان قافیه در نظم)



نکته افعال یا عباراتی به شکل ردیف می‌توانند در آخر آن بیایند. گاهی یکی از طرفین به قرینه‌ی لفظی حذف می‌شود و این موضوع تأثیری در سجع ندارد.

«دختری پرخواسته بود و جمله به گل آراسته [بصودا]

نمونه‌ها

۱) دیده در ظلمت شب، هر چند در خفا است، اما امید روشنی صبح در قفا است.

۲) الهی، فرمایی که بجوی و می‌ترسانی که بگریز، می‌نمایی که بخواه و می‌گویی که پرهیز

۳) تا با تو آشنا شدم، از خلاق جدا شدم، نهان بودم و پیدا شدم

۴) الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، مغفور و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت مهجور است.

۵) آنچه منصور حلاج گفت، من نیز گفتم، او آشکارا گفت، من نهفتم

حل نمونه‌ها

۱) دیده در ظلمت شب، هر چند در **خفا** است، اما امید روشنی صبح در **قفا** است.

۲) الهی، فرمایی که بجوی و می ترسانی که **بگریز**، می نمایی که بخواه و می گویی که **بپرهیز**

۳) تا با تو **آشنا** شدم، از خلاق **جدا** شدم، نهان بودم و **پیدا** شدم

۴) الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، **مغفور** و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت **مهجور** است.

← است بعد از «مغفور» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است و گفتیم که این موضوع تأثیری در ایجاد سجع ندارد.

۵) آنچه منصور **حلاج** گفت، من نیز **گفتم**، او آشکارا گفت، من **نهفتم**

واج آرایبی، نغمه‌ی حروف

«به په پاپا په پوپیت، پدو پپا پاپایی / دیدی تکرار «پ» رو، حالا شد **واج آرایبی**»

؟ کلید ذکر بیش از ۲ بار واج یا واج‌هایی نزدیک به هم و تأثیرگذار



نکته گاهی واج انتخاب شده با موضوع و مفهوم بیت در ارتباط است:

«خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

«خ و ز» تداعی کننده‌ی صدای «خز خز» خرد شدن برگ‌های پاییزی

«خروش از خم چرخ چاچی بخاست»

«خ و چ» تأکید بر خشونت

نمونه‌ها

- | | |
|---|---|
| که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت | ۱) ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت |
| ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم | ۲) نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم |
| هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت | ۳) چو دید لاله‌ی روی تو، باغبان از شرم |
| گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل | ۴) جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل |
| سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن | ۵) ناله را هر چند می‌خواهم که پنهانی کنم |

حل نمونه‌ها

۱) ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت

واج ش

۲) نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم

واج گ

۳) چو دید لاله‌ی روی تو باغبان، از شرم هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت

واج چ

۴) جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل

واج ج

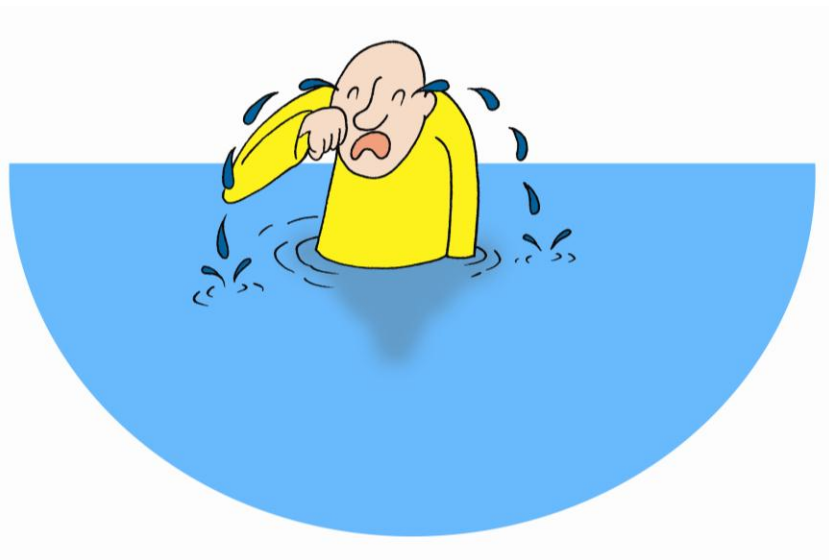
۵) ناله را هر چند می‌خواهم که پنهانی کنم سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن

واج ن

اغراق (مبالغه)

«اگر دیدی تو شعرا، دروغی تپیل و چاق / «مگه میشه» پیرسو، پهبش یگو تو اغراق»

؟ کلید «مگه میشه + عبارت جواب نه ← اغراق»



نکته از آن جا که هر اغراقی منظوری دیگر در پس خود دارد، همه‌ی آن‌ها به نوعی «کنایه» نیز هستند و این دو ناقض یکدیگر نخواهند بود.

نمونه‌ها

- | | |
|---|--|
| گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند | ۱) بلبل از شاخ گل افتد به زمین از مستی |
| جهان ماتم سرا گردد اگر من از نوا افتم | ۲) به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد |
| که از ستاره فزون است اگر شماره کنی | ۳) به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه! |
| از ره دشمن به مژگان خاک بر می‌داشتم | ۴) تهمت عجز است سدّ راه «صائب» و نه من |
| چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم | ۵) چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یارب! |